



سوره مبارکه نور

جلسه سوم: ۹۲/۹/۲۳

* سؤال جلسه قبل: علت تکرار آیه ۱۰ سوره مبارکه نور چیست؟

پاسخ:

- «فضل» عبارت است از هر استعداد و توان شکوفا شده که ممکن است مادی یا معنوی باشد.

- **فضل مادی**، مانند: تمام استعدادهای، مال، ثروت و ... که افراد دارند. همه اینها فضل است زیرا توان ایجاد می کند.

- **فضل معنوی**، مانند: دینداری افراد که از دینداریشان منافی شکوفا می گردد و در نبود دینداری این استعدادهای شکوفا نخواهد شد. مثال: اگر در جامعه ای حجاب اسلامی رعایت شود، استعدادهایی در آن جامعه شکوفا خواهد شد که اگر حجاب رعایت نشود آن استعدادهای شکوفا نخواهد شد.

- بنابراین جنس فضل، توانهای بالفعل در افراد است.

- رحمت: «توان و فعلیت» ثمره وجودی دارند به اعتبار ثمرات وجودیشان به آن «رحمت» گویند. مثال: وقتی کسی حالش خوب است و فعالیت های زیادی می کند، نشانه رحمت الهی است زیرا آن فرد توسعه وجودی دارد.

- به نوعی می توان گفت، «فضل»، کالبد نزول رحمت است. رحمت مانند روح است و فضل مانند جسم.

- ما اقتضانات فضل را فراهم می کنیم. انسان به نسبت فضلی که دارد، رحمت بر او جاری می شود.

- وقتی دو نفر ازدواج می کنند بین آنها رحمت ایجاد می شود، زیرا ازدواج فضل است.

- آیه ۲۱: در این آیه بحث «تزکیه» نیز مطرح می شود. (در سوره مبارکه جمعه بحث کتاب، تعلیم و تزکیه، «فضل» شمرده شده است.)
- درباره تزکیه در آیات بعد توضیح مفصل تری داده شده است.

- آیه ۲۲: هنگامی که انسان صاحب توان می گردد صاحب تحلیل هم می شود. انسان وقتی سمتی می گیرد نفوذ پیدا می کند و بر اساس نفوذش مسائل را تحلیل می کند. مواضع خطر در اینجا قرار دارد.

- اگر صاحبان فضل تحت ولایت قرار نگیرند، جامعه چند صدایی به وجود می آید. چون هر کسی می خواهد بر اساس فضلی که دارد هدایت جامعه را به عهده خودش بگیرد.

- صاحبان فضل به خاطر تحلیل هایشان و اعمال قدرتی که دارند حتی می توانند جامعه اسلامی را از هم بپاشند. بنابراین «تقوا» برای این افراد بسیار ضروری تر از بقیه مردم است.

- آیه ۲۳:

- گفته شد:

سوره مبارکه نور روابط انسان و جامعه را «طیب سازی» می کند.

- برای طیب شدن، روابط با فضل ارتباط پیدا می‌کنند و انواع و اقسام مکانیسم‌ها را به وجود می‌آورد و «فضل» ابزار «طیب‌سازی» می‌شود. فضل همان‌طور که می‌تواند عامل به هم ریختگی جامعه‌ای شود، می‌تواند ابزاری برای طیب‌سازی باشد.

- سوره مبارکه نور قواعد طیب‌سازی - که دست صاحبان فضل است - را بیان می‌کند و آسیب‌ها را نیز ذکر می‌کنند. (به صورت ایجابی نیز بیان می‌کند).

- مثال: صاحبان فضل باید برای رفع فقر اقتصادی و معیشتی، جامعه را سازمان‌دهی کنند. فقر یکی از آسیب‌های روابط انسان‌هاست. مثلاً کسی که به خاطر نداشتن پول و کار نمی‌تواند ازدواج کند و به فساد می‌افتد.

- بنابراین طبق آیه ۲۲ هر کسی که صاحب فضل است (پول/ موقعیت اجتماعی/ استعداد و ...) باید محور اول عملیات خود را، رفع فقر و پریشانی‌های اقتصادی قرار دهد.

- توجه: اگر افراد در وجود فقر اقتصادیشان مقصر باشند، صاحبان فضل نباید به آنان خرده گیرند بلکه باید «عفو» و «صفح» داشته باشند.

- آیه ۲۳ تا ۲۵:

حوزه دوم: سازمان‌دهی برای عدم اشاعه و گسترش زشتی‌ها به ویژه در حوزه روابط جنسی / سوء تدبیر روابط

- باید افراد را از تبعات «نسبت دادن‌ها» آگاه کرد. در ضمن باید نسبت به تبعات خودِ اعمال و سوء تدبیر روابط جنسی نیز آگاه نمود. ابتدا باید شایعات و سوء ظن‌ها برداشته شود و سپس خودِ روابط جنسی سامان‌دهی شوند، زیرا برداشته شدن شایعات و امن شدن محیط به این معناست که خودِ این مفاسد مهم هستند و نباید رواج پیدا کنند.

- ابتدا الفاظ و کلمات زشت بر زبان انسان جاری می‌شود و سپس خودِ آن اعمال جاری می‌شوند و انسان تا نتواند بر زبانش الفاظ زشت به کار ببرد، نمی‌تواند کارهای زشت کند. در واقع هنگام «کنترل شایعه»، زبان و خیال را از یک سری کلمات سوء پاک‌سازی می‌کنیم. به طور طبیعی وقتی کلمات زشت برداشته شود، افراد نسبت به آن گناه، احساس بدی پیدا می‌کنند.

- برای رفع سوءظن باید «عفو» و «صفح» کرد. یعنی وقتی گناه فردی را می‌بینند چشم‌پوشی کنند انگار که نفهمیدیم. قُبْح عمل نباید شکسته شود. زیرا اگر مستقیماً به فرد گناهش گفته شود و او ببیند آبرویی برایش نمانده، دیگر ابایی برای انجام کارهای خلاف بعدی نخواهد داشت.

- زشتی‌ها را نباید رو کرد و باید سعی کرد مخفی بمانند و اگر بنا به امر به معروف و نهی از منکر است باید با آداب خودش این کار انجام شود. گاهی به خاطر امر به معروف و نهی از منکرهای غلط زشتی‌ها به سرعت رواج پیدا می‌کنند. مثلاً شعری خلاف در جایی از دنیا بر علیه امامی گفته شده اما توسط مؤمنین منتشر می‌شود. روحیه جستجوگری افراد نیز در این مسائل بی‌تأثیر نیست. مثلاً دوست داریم بدانیم که فرزندان در اینترنت چه می‌بینند، دیدن آلودگی‌ها خودِ ما را نیز آلوده می‌کند.

- آیه ۲۶: یکی از مواردی که در جامعه مشکلات زیاد و ناهنجاری ایجاد می‌کند وجود افراد خبیث است. ناهنجاری بدتر این است که مکانیسمی برای کفویت طبیعت وجود نداشته که منجر به دخالت خبیث در حوزه طیب می‌شود.

- شاید نتوانیم جلوی خبیث بودن افراد را در جامعه بگیریم، اما می‌توانیم روابط «طیب با طیب» و «خبیث با خبیث» را سازمان‌دهی کنیم، زیرا نباید بین طیب با خبیث اختلاط صورت گیرد. جامعه باید سازمان‌دهی شود. خصوصاً در بحث ازدواج نباید جامعه به سمتی

کشیده شود که فردی که آلوده است به سمت آدمی که پاک است کشیده شود. زیرا این مسئله منجر می‌شود که به تدریج حوزه آرامش طبیات و طیبین به هم بخورد.

حوزه سوم: سازمان‌دهی برای مبرأ شدن طبیات و طیبین از خبیثات و خبیثین

- آیه ۲۶ ضرورت داشتن یک سازمان برای هماهنگ کردن طبیات و طیبین، با هم را می‌رساند. طبیعتاً وقتی طبیات و طیبین در جامعه، در حوزه امنی قرار گیرند، قوت پیدا می‌کنند، اما وقتی خبیث قاطی آنها شود، قوت آنها شکسته می‌شود.

- این آیه مهم‌ترین و تنها آیه صریح راجع به ازدواج است. یعنی کلیدی‌ترین موضوع برای انتخاب همسر تشخیص طیب بودن است.

زنگ دوم:

- آیات ۲۷ تا ۲۹ سازمان‌دهی در روابط بیوت است. طبیعتاً هر کسی در زندگی با همسایگان، دوستان، اقوام و ... ارتباط دارد، خدا قواعد ارتباطات را در این آیات بیان کرده است. لذا محورهای سازمان‌دهی به صورت زیر است:

۱- انس‌ورزی

۲- سلام

حوزه چهارم: سازمان‌دهی در روابط بیوت (انس و سلام) ← فعال شدن ذکر

- وقتی «بیوت» گفته می‌شود، منظور مجموعه خانواده است. یعنی روابط همسران با هم و فرزندان با هم و ... همه باید لحاظ شود.

- آیه ابتدا نهی می‌کند که شما غیر از بیت‌های خودتان نروید. سپس استثناء می‌کند.

- «تَسْتَأْنِسُوا»: یعنی قبل از اینکه به خانه آنها بروید باید سیستم ارتباطی بین خود و آنها ایجاد کرده باشید.

- «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَمَّا كُنْتُمْ تَذَكَّرُونَ»: در واقع وقتی این روابط برقرار می‌شود منجر به فعال شدن ذکر می‌شود.

- یعنی ارتباط برقرار کردن در بیوت مختلف ذکر را فعال می‌کند. منتها مشروط بر این که یک سری قواعد برقرار شود. اگر انسان با دیگران ارتباط داشته باشد به طور طبیعی «ذکرش» فعال می‌شود. زیرا در ارتباط با دیگران نعمت‌هایی که خدا به ما داده است به طور طبیعی آشکار می‌شود.

- خیلی از اوقات افراد با رعایت آداب معاشرت، خودسازی درونی خود را به دست می‌آورند. عقل انسان به وسیله آداب‌دانی و رعایت آداب فعال می‌شود. به همین دلیل در آیه ۲۸ بحث تزکیه مطرح شده است. هرگاه کسی در درون خود روابطش را پاک‌سازی کند بسان این است که عقلش فعال می‌شود، به این حالت «تفکر اجتماعی» گفته می‌شود. کسی که بتواند روابط بیرونی‌اش را اصلاح کند به طور طبیعی روابط حاکم بر درون خود را نیز اصلاح می‌کند.

- «اجازه گرفتن برای ورود به بیت» نشان‌دهنده آن است که بیت «حصن» دارد. یعنی باید برای بیت «حریم» داشته باشیم.

- برای حفظ ذکر در خانواده‌امان لازم است ارتباط عمومی زیادی داشته باشیم. دیدن خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی پایین دارند و یا فرهنگ بالا دارند برای فرزندان در فعال شدن ذکر بسیار مؤثر است.

- دیدن خانه علماء و روابط خانوادگی آنها برای خود و فرزندانمان بسیار مؤثر است.

- آیه ۳۰:

حوزه پنجم: سازمان‌دهی در مشاهده دیگران (زنان و مردان نامحرم) با تأکید بر جنس مذکر

- انسان باید بر نگاه خودش مدیریت داشته و هم اینکه این نگاه را ترویج دهد. این موضوع احتیاج به سازماندهی دارد و خطاب هم بیشتر به مردان است. زیرا «نگاه کردن» برای مرد بیشتر موضوعیت دارد، کما اینکه حجاب بیشتر برای زن موضوعیت دارد.

- طبیعت انسان این است که دائماً چشمش می‌چرخد اما انسان باید نگاهش را کنترل کند.

- آیه ۳۱: این آیه می‌رساند که بحث نگاه برای خانم‌ها نیز مطرح است. اینکه در آیه ۳۱ موارد ذکر شده را تک تک ذکر می‌کند دلالت بر اهمیت این موارد دارد. وقتی در آیه‌ای اینچنین ریزه‌کاری صورت گرفته است، یعنی رعایت این موضوع برای خدا اهمیت دارد. لطفاً درباره این مسئله کسی اجتهاد نکند.

- آیه ۳۱ ریز به ریز موارد حجاب را بیان کرده است. حتی زنان در برابر طفلی که به حد تمیز رسیده است ولو به حد بلوغ هم نرسیده باشد، موظف به رعایت حجاب هستند.

- «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا»: نشان می‌دهد که خیلی از افراد در گرداب این معرکه فرو رفته‌اند. معلوم است مردم از این گناه لطمه‌های بسیاری می‌خورند. (گناه رعایت نکردن حجاب و یا رعایت نکردن مشاهده).

- طبق احکام فقهی نگاه کردن به غیر از وجه و کفین حرام است. نگاه کردن به وجه و کفین هم در ضرورت مجاز است و غیر از ضرورت گناه دارد.

- **توجه:** منظور از ضرورت، ضرورت عرفی است نه عقلی.

- نکته: ضرورت‌های عقلی افراد را منزوی و غیر عادی بار می‌آورد، اما ضرورت‌های عرفی این‌گونه نیست. ضرورت‌های عرفی در عین حال که نزاهت و پاکی برای فرد می‌آورد و تقوا را گسترش می‌دهد، کار فرد را هم راه می‌اندازد.

- **توجه:** هرچقدر حجاب و مراقبت خانم‌ها نسبت به بیگانه بیشتر باشد، مراقبت بیگانه هم نسبت به آنها تشدید می‌شود.

- خانم‌ها با کنترل حجاب خود ابزاری برای کنترل مردان دارند و این ابزار هرچقدر بیشتر در عفاف و حیا باشد، مردان را عاقل‌تر می‌کند.

- در واقع حجاب کانون شکوفایی مرد و به قوام رسیدن اوست.

حوزه ششم: به ازدواج درآوردن و ایجاد باور توحیدی در بحث فقر و غنا

- **توجه مهم:** خواست و اراده‌ی زنان در یک جامعه چنان مؤثر است که اگر در جامعه‌ای زنان بخواهند فساد غریزی و جنسی اتفاق نیفتد حتماً فساد جنسی و غریزی از آن جامعه برداشته خواهد شد.

- آیات ۳۲ و ۳۳: این آیات از آیات بسیار پیچیده است و بحث تفسیری بسیار مفصلی دارد لذا وارد آن نمی‌شویم. فقط به این مقدار بسنده می‌کنیم:

✓ همان مقدار که به ازدواج درآوردن افراد مهم است، بحث «عفاف داشتن» برای افراد نیز مهم است. زیرا وقتی در جامعه‌ای درباره به ازدواج درآوردن افراد تأکید می‌شود حتماً در آن جامعه عده‌ای وجود خواهند داشت که به علل مختلف نمی‌توانند ازدواج کنند. بنابراین نباید در جامعه به‌گونه‌ای رفتار شود که آنهایی که نمی‌توانند ازدواج کنند حالت شکست خورده و سرخورده پیدا کنند و تخریب شوند. باید آنها را به عفت دعوت کرد. آنهایی که امکان ازدواج برایشان فراهم نیست، باید

بدانند ازدواج منافع بسیاری دارد اما قرار نیست که همه منافع فقط از طریق ازدواج به افراد برسد. اگر کسی بنا بر هر دلیلی

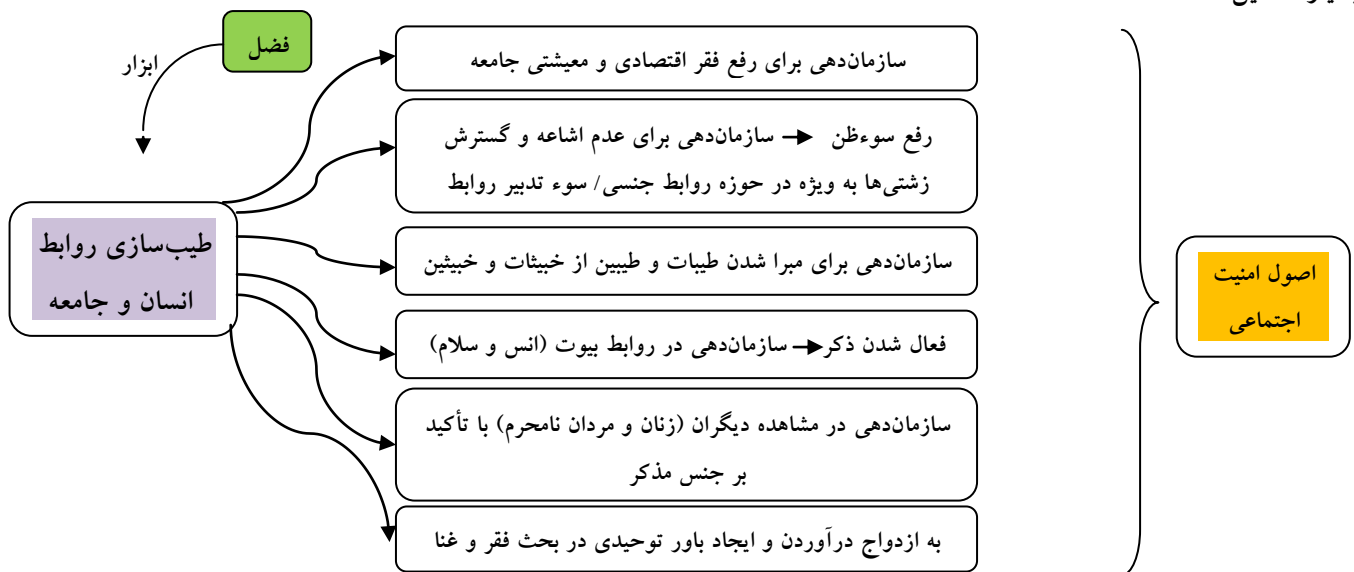
امکان ازدواج برایش پیش نیامد نباید احساس خسارت کند. باید بداند می تواند کمبودها را با دعا، عفت و ... جبران کند.

« لا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتَدِئُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ »: این

آیه نشان می دهد همان طور که عده ای برای به ازدواج در آوردن افراد سازماندهی می کنند، بعضی از گروه ها هم برای رواج بی عفتی عمومی تلاش می کنند. اگر ازدواج ساماندهی نشود به طور طبیعی در جامعه سیستمی حاکم می شود که بر خلاف سیستم حق ساماندهی می کنند. این سیستم چنان قوی عمل می کند که حتی آنهایی که «اراده تحصن» دارند را به سمت خودش می کشاند. چنین سیستمی شرایطی تحمیلی برای «بغاء» ایجاد می کند که زنگ خطری برای همه، خصوصاً افراد مذهبی ای که به سمت روابط نامشروع پیش می روند.

- زور نکنید دخترکان جوانتان را که اکراه دارند بر خلاف عفت عمل کنند. منظور این نیست کسانی که خودشان مایل اند را دعوت کنید بلکه می خواهد اولویت را برساند و می خواهد بفهماند که این سیستم آنقدر قوی عمل می کند که حتی کسانی که اراده بی عفتی ندارند و اکراه دارند را به سمت خودش می کشاند.

- این زنگ خطر مهمی است که اگر کسانی که می توانند راجع به ازدواج دختران و پسران کاری کنند به هر دلیلی نکنند و از سر خودشان باز کنند به طور طبیعی دختران جامعه به سمت «بغاء» کشیده می شوند. هرچند که اراده تحصن داشته باشند و این خطری بسیار سنگین است.



- توجه مهم: این شش حوزه را باید با هم دید و نباید فقط یک مورد برای جامعه پررنگ شود. به عبارتی این شش حوزه در درون خود اولویت بندی دارد.

- از آیه ۳۴ به بعد فضای سوره بسیار عوض می شود.

- آیه ۳۴: شما تجربه ای از گذشتگان دارید بنابراین نباید رودست بخورید. همه قبلی ها فساد، هلاکت و ... را تجربه کردند و هیچ اتفاق مثبتی برایشان نیفتاد. اگر قرار باشد اتفاق مثبتی بیفتد در «تقواست».

- از آیه ۳۵، دل انسان را به سمت «نور» می‌برد.

- آیه ۳۵: اگر کسی نور می‌خواهد باید زمینه نور را در بیوتش فراهم کند. نور در زمین و روابط با خبثات وارد نمی‌شود.

- نور: ظاهر و مظهر لغیره: نور یعنی چیزی که آشکار است و برای آشکار شدنش احتیاج به چیز دیگری ندارد و بقیه را هم آشکار می‌کند.

- در علم ثابت شده، «آب» و «نور» ارتباط زیادی با هم دارند.

- ماء: «ظاهر و مظهر لغیره». خودش ظاهر است و بقیه را هم ظاهر می‌کند.

- سنخ نور:

✓ سنخ غناست (بی‌نیازی نسبت به غیر است).

✓ سنخ بیان است (روشن کردن فضا است).

✓ سنخ حمد است (ستایش و ستودن است).

✓ سنخ حُسن است (زیبایی و جلوه‌گری است).

- اینها فضایی طیب را برای ما ترسیم می‌کنند.

- با توجه به تعریف نور، مقام «واسطه و وساطت» را می‌توانیم دریابیم. یعنی برای نور می‌توان واسطه‌های مختلفی مانند مشکاه در نظر گرفت.

- در واقع نشان می‌دهد که هر کسی به نسبت خودش می‌تواند مانند چراغدان عمل کند و مشکاه شود. بستگی به نزدیکی و قُربش دارد.

- بنابراین در نظام نور، «قُرب و بُعد» وجود دارد. پس در نظام طیب هم بعضی می‌توانند طیب شوند و بعضی طیب‌تر.

- نظام طیبات به سمت بی‌نهایت می‌رود.

- با مطرح کردن «روغن»، می‌خواهد مقام وساطت و درجه داشتن این مقام را بیان کند.

- وقتی انسان طیب‌تر می‌شود انگار روغنش برای سوختن مناسب‌تر می‌شود.

- یعنی:

(۱) هر قدر انسان طیب شود، نورانی به نور الهی می‌گردد.

(۲) هر قدر انسان طیب شود مقام وساطت بالاتری می‌گیرد.

- حتی اگر انسان در خانه باشد و در جامعه حضور پیدا نکند، از نورش بقیه استفاده می‌کنند. (مانند مادر حضرت مریم و یا مادر حضرت موسی)

- عمل صالح که در بستر طیبی در درون فرد اتفاق بیفتد حکم روغن را پیدا می‌کند. مثلاً نماز شب خیلی از افراد زلزله را بند می‌آورد و باران را نازل می‌کند.

- خیلی از اوقات اثرات طیب در شکل نور در تکوین زندگی انسان قرار می‌گیرد.

- بنابراین برای ایفای شأن اجتماعی، اولین گزینه برای هر کس باید طیب شدن باشد نه وارد اجتماع شدن.

- پس یک خانم به این معنا نباید میلی به گرفتن سیمت داشته باشد و یا میل به حضور در اجتماع داشته باشد. خانم نباید کمال خود را برابر حضور در اجتماع ببیند.
- هر کسی طیب شود نمی تواند نورانی نباشد و هر کسی نورانی شد نمی شود نورش به اجتماع نرسد.
- بنابراین اولین دغدغه برای هر کس، «اجتماعی شدن» نیست، بلکه «طیب شدن» است.
- «طیب شدن»، خود فضلی بزرگ است که به واسطه این فضل، «رحمت» نازل می شود.
- آدم طیب رحمتش عام است تا جایی که حتی اگر بمیرد و او را وارد قبرستانی کنند، آتش از آن قبرستان برداشته می شود.
- آیه ۳۸: از این آیه «حُسن» مطرح شده است.
- حُسن: بروز رحمت/ بروز آثار وجودی/ بروز مکارم اخلاق/ بروز زیبایی
- به طور خلاصه: «حُسن» جلوه‌نمایی نور است. بروز دارد.
- این آیه می‌فرماید: اعمال آنها حُسن دارد یعنی اعمالشان زیباست و خدا جزا می‌دهد حُسن‌تر از آنها. یعنی عکس‌العمل حسنی آنها «أحسن» است. طیب مادامی که طیب است همیشه در مسیر طیب‌تر شدن است. بنابراین نظام طیب به سمت بی‌نهایت میل می‌کند.
- طیب بودن، طیب بودن می‌آورد. فرد، روز به روز طیب‌تر می‌شود.
- در آیات زیادی از قرآن مطرح می‌کند اطاعت از خدا و رسول معادل می‌شود با طیب شدن.
- از آیه ۳۹ به بعد موضوع اطاعت از خدا و رسول ظهور پیدا می‌کند و افراد به دو دسته «الذین آمنوا» و «الذین كفروا» تقسیم می‌شوند. موضوع اطاعت از خدا و رسول تالی تلو همه مطالب قبلی قرار می‌گیرد.
- در واقع خدا، طیب‌سازی را با فضل خود به «ولایت» تسری می‌دهد و ولی، مسئول همه شش حوزه بیان شده در بالا می‌شود. فقط کافی است انسان گوشش را قوی کند و از ولایت تبعیت کند. او دیگر دغدغه خیلی از چیزهای دیگر را ندارد.
- آیه ۴۶ به بعد رسم و مشق سربازی کردن را به ما نشان می‌دهد.
- در آیات آخر ایمان و عمل صالح معادل حُسن است. «ایمان و عمل صالح» ایجاد طیب می‌کند. اینگونه طیب شدن تفصیل پیدا می‌کند. «طیبات» و «طیبین» کسانی هستند که کفه ایمان و عمل صالحشان سنگین است. آنها اطاعت و تبعیتشان از خدا و رسول بیشتر است.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین